

## نقش علمای شیعه هرات عصر تیموریان در گسترش علوم اسلامی

چکیده

□ محمدرضا ضیایی\*\*

دوره‌ی تیموریان هرات، یکی از با عظمت‌ترین و درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ کشور اسلامی افغانستان به حساب می‌آید. این دوره تاریخی از لحاظ رشد فرهنگ، ادب، علم و صنعت با هیچ دوره‌ای قابل قیاس نبوده است. بقایای تمدن تیموریان هرات تا امروز نیز باعث شهرت کشور افغانستان گردیده است. با نشستن شاهرخ میرزا براری که سلطنت؛ عالمان، دانشمندان، نویسندگان، شعرا، ادبا و هنرمندان اعم از شیعه و اهل سنت از هرگوشه و کنار به هرات روی آوردند و مرکز تمدن تیموری از سمرقند که به همت امیر تیمور گورگانی به عروس شهرها و جایگاه دانشمندان و صنعتگران و هنرمندان تبدیل شده بود به هرات انتقال یافت و بیشتر از صد سال مرکز علم و هنر باقی ماند. این مقاله با استفاده از منابع تاریخی و رجالی به این پرسش پاسخ داده است که نقش علمی عالمان شیعه در هرات در گسترش علوم اسلامی در دوره‌ی تیموریان چگونه بوده است؟ این مقاله با استفاده از منابع مکتوب و روش تحلیلی-توصیفی، به این یافته‌ها رسیده است که عالمان شیعه در عصر تیموریان فعالیت‌های علمی و فرهنگی داشتند. برخی از علمای بزرگ شیعه از مناطق مختلف کشورهای اسلامی به ویژه ایران، به شهر هرات مهاجرت نمودند. علما و دانشمندان شیعه در این دوره‌ی تاریخی نقش مؤثری در گسترش علوم اسلامی داشتند. اینان افزون بر تدریس و تدرّس، آثار علمی فراوانی در علوم گوناگون؛ مانند علوم قرآن و حدیث، فقه و اصول، کلام و عرفان، ادبیات و تصوف از خود به جای گذاشته‌اند که نشانگر گسترش علوم اسلامی در این دوره‌ی زمانی است.

کلید واژگان: علوم اسلامی، شیعه، عالمان شیعه، هرات و تیموریان

## مقدمه

به گواهی تاریخ یکی از دوره‌های مهم تاریخی در عرصه علم و فرهنگ به ویژه در کشور اسلامی افغانستان، عصر حکومت پادشاهان تیموری بود؛ زیرا در افغانستان پس از حمله‌ی مغول تا سال‌ها هیچ توجهی به دانش و دانشمندان نگشت؛ چون زندگی بادیه نشینی بر آن نواحی چیره گردید (ابن خلدون، ۱۳۷۸ ش، ۲، ۱۱۵۲). تیموریان هرات که خود اهل علم و دانش بودند فرهنگ و تمدن اسلامی را در هرات تا اندازه‌ای احیا نموده به علم و دانش توجه کردند.

شاهان فرهیخته تیموری همچون میرزا شاهرخ، بایسنقر میرزا و سلطان حسین میرزا بایقرا به تشویق مادی و معنوی عالمان و دانشمندان می پرداختند و زمینه آفرینش آثار علمی و فرهنگی را برای علما، شاعران، نویسندگان، مورخان، خطاطان، نقاشان و موسیقی دانان مساعد می نمودند. مخصوصاً وزیر دانشمند و فرهیخته دوره تیموریان امیرعلیشیر نوایی که خود دانشمند، شاعر، خطاط و موسیقی دان برجسته‌ای بود و در قطار چهره‌های درخشان ادبیات شرق هشتمین ستاره ادبیات شناخته شده است و همچون فردوسی، مولانا، حافظ، سعدی، جامی، نظامی، بیدل از شهرت جهانی برخوردار است. او در تشویق و ترغیب دانشمندان و هنرمندان نقش برجسته‌ای ایفا نموده است که هیچگاه از حافظه تاریخ زدوده نخواهد شد. در این زمان بود که علماء و دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، از کشورهای مختلف اسلامی به هرات مهاجرت نموده و از خان گسترده علمی و فرهنگی این خطه تمدنی استفاده نموده مورد استقبال حاکمان تیموری قرار گرفتند. تحقیق حاضر با بهره‌گیری از منابع مکتوب و کتابخانه‌ای و استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش است که نقش علمای شیعه هرات عصر تیموریان در گسترش علوم اسلامی چگونه بوده است؟

هرچند درباره‌ی هرات به ویژه در عصر تیموریان، کتب و مقالات فراوانی توسط محققان به نگارش درآمده است، ولی نقش علمای شیعه هرات عصر تیموریان مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است. در این تحقیق تلاش شده است به نقش عالمان شیعه هرات عصر تیموریان

در گسترش علوم اسلامی پرداخته شود.

## ۱- جغرافیای هرات

هرات یکی از شهرهای مهم و کهن در شرق جهان اسلام است. این شهر در گذشته‌ها از شهرهای معروف و پرآوازه‌ی مشرق زمین به حساب می‌آمد. شهر باستانی هرات پیش از ظهور اسلام از شهرهای معروف بوده و بنای آن به افسانه‌ها و اساطیر کهن برمی‌گردد. جغرافیدانان مسلمان وقتی از شهر و جغرافیای هرات گزارش می‌دهند، آن را با عظمت فراوان توصیف نموده‌اند. این درحالی است که بعد از حضور سپاه اسلام در شهر هرات و جنگهایی که در این شهر صورت گرفت؛ مانند: قیام ابومسلم خراسانی (۱۲۸-۱۳۲ق) احتمال دارد، خرابی‌هایی در شهر به وجود آمده باشد. ولی در عین حال شهری آباد و دارای دژهای محکم توصیف شده است.

ابن حوقل از جغرافی نگاران قرن چهارم هجری، هرات را این گونه توصیف می‌کند:

«هرات نام شهری است که حصارهای محکم دارد. در داخل و خارج شهر آب جریان دارد. شهر دارای ربض و مسجد جامع است که مسجد جامع در آن ربض قرار گرفته است و دارالاماره شهر خارج دژ واقع شده است که به خراسان آباد معروف است که از خود شهر هرات سه فرسخ فاصله دارد و در مسیر پوشنگ سمت غرب هرات واقع شده است. شهر هرات دارای چهار دروازه است. دروازه اول به سمت بلخ باز می‌شود و به دروازه سرای معروف است و تقریباً در شمال هرات است. دروازه دوم دروازه ای است که به سوی غرب نیشابور باز می‌شود و به دروازه زیاد معروف است. دروازه سوم به سمت جنوب سیستان باز می‌شود که به دروازه فیروزآباد معروف است و دروازه چهارمی به سوی شرق غور باز می‌شود که به دروازه خشک معروف است. این دروازه‌ها از چوب ساخته شده است، غیر از دروازه سرای که آهنی است. در راستای هریک از دروازه‌ها بازاری وجود دارد و داخل شهر و دژها آب جاری است» (ابن حوقل، ۱۹۳۸ش، ۲، ۴۳۷).

اصطخری از دیگر جغرافی نویسان اسلامی علاوه بر تأیید توصیف ابن حوقل، درباره

اهمیت هرات نوشته است: هرات فرضه (کنایه از منطقه سوق الجیشی) خراسان، سجستان و پارس و کوهستان است (اصطخری، ۲۰۰۴م، ۲۶۵). سایر جغرافی نویسان نیز هرات را از شهرهای مهم جهان اسلام توصیف نموده است.

### تیموریان (۷۸۲-۵۹۱۱ه)

سلسله تیموری توسط تیمور که به تیمور لنگ نیز معروف بود پایه گذاری شد. وی از فاتحان بزرگ و جهانگیران شگفت انگیز تاریخ دانسته شده است که فتوحات بسیار انجام داد (مبارک، ۱۳۸۵ش، ۶۰۲؛ راوندی، ۱۳۸۲ش، ۲، ۳۵۵-۳۵۷). ولی متأسفانه به ارتقای فرهنگ اهمیت نداد و تمام تلاشش کشور کشای بود.

«پس از حمله ترکان غزو چنگیز و تیمور به آسیا و خاورمیانه قرن‌ها در این منطقه وسیع صدای صلح و آشتی به گوش نمی‌رسید و از فرهنگ و دانش و عدالت اجتماعی سخنی در میان نبود» (راوندی، ۱۳۸۲ش، ۲، ۳۷۳).

اما با ظهور شاهرخ میرزا (۸۵۰-۸۰۷ق) و انتقال پایتخت از سمرقند به هرات، رونق دوباره‌ی دانش‌ورزی و تعلیم و تربیت در افغانستان شروع شد. او علاوه بر اینکه خرابی‌های چنگیز و تیمور را آباد نمود؛ در رونق گرفتن دانش و مراکز آموزشی نیز تلاش زیادی نمود. وی توانست شهر هرات را به یکی از شهرهای افسانه‌ای جهان و مرکز دانش و فنون و رفاه تبدیل نماید (ناصری، ۱۳۷۸ش، ۱۲۸).

### تعامل عالمان شیعه و اهل سنت در هرات عصر تیموریان

یکی دیگر از عوامل رشد علمی در هرات عصر تیموریان، تعامل علمی و فرهنگی عالمان شیعه و اهل سنت است. اسلام به داشتن تعامل مثبت و ارتباط با دیگر انسان‌ها از هر نژاد و کیشی تأکید نموده است (زنجانی، ۱۳۷۳ش، ۲، ۱۴۰).

رشد و تعالی جامعه اسلامی و تفاهم برای رسیدن به اقتدار و شکوفایی مسلمانان، در شرایطی امکان پذیر است که مسلمانان مخصوصاً عالمان و دانشمندان اسلامی تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد که نقش علماء دین در این زمینه بسیار مهم و قابل توجه

است؛ زیرا اسلام داعیه جهانی دارد و قرآن را برنامه سعادت آفرین برای همه انسان ها می داند و معتقد است باید پیام قرآن به سراسر جهان برسد. طبعاً این امر مهم بدون تعامل و همزیستی مسالمت آمیز میان عالمان شیعه و عالمان اهل سنت و همین طور با ملت ها و پیروان ادیان و مذاهب مختلف امکان نخواهد داشت.

در عصر تیموریان، تعامل علمی و فرهنگی میان عالمان شیعه و اهل سنت در سطحی بالا و وسیع وجود داشته است و یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه های علمیه هرات و مراکز علمی و فرهنگی این شهر، وجود حوزه های مشترک میان شیعه و اهل سنت است. در زمان حکومت تیموریان در هرات با توجه به تسامح مذهبی که داشتند، مراکز علمی و فرهنگی همواره بین عالمان شیعه و اهل سنت به صورت مشترک بوده است و پیروان هر دو فرقه شیعه و اهل سنت از آن استفاده می کردند. در منابع تاریخی و رجالی از تعامل علمی و فرهنگی میان عالمان اهل سنت و شیعه، در مراکز علمی و فرهنگی مشترک میان آنان در سطح بسیار بالایی گزارش شده است. کمتر مرکز علمی در هرات وجود داشته که مختص به پیروان فرقه ای خاص باشد. در این زمان درس خواندن شاگردان شیعه مذهب نزد عالمان سنی و برعکس بسیار معمول و مرسوم بوده است که البته می تواند ناشی از تعامل حاکمان تیموری با عالمان و دانشمندان شیعه و سیاست تسامحی آنان باشد (واصفی، ۱۳۴۹ ش، ۱۸).

### مهاجرت عالمان شیعه به هرات زمینه ساز گسترش علوم اسلامی

با توجه به گزاره ها و داده های تاریخی، هرات یکی از شهرها و مراکز مهم علمی و فرهنگی در عصر تیموریان بوده است. فرهنگ و تمدن اسلامی، مخصوصاً مراکز علمی که در حمله غزها و سپس مغولان از شرق جهان اسلام بویژه خراسان، از میان رفته بود، در عصر تیموریان هرات جان دوباره گرفت و به عنوان مرکز بزرگ علمی و فرهنگی دنیای اسلام مطرح شد. بدین جهت، در قرن های هشتم، نهم و دهم طالبان علوم اسلامی، شاعران، ادیبان و هنرمندان از مناطق مختلف جهان اسلام، رهسپار هرات می شدند و دانشمندان زیادی در این خطه به تحصیل علم و تعلیم و تربیت پرداختند که طبعاً در گسترش علوم اسلامی نقش

اساسی داشته است.

### الف: مهاجرت علمای شیعه از سمرقند و بخارا به هرات

کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی یکی از عالمان شیعه است. وی در عصر حکومت تیموریان که به مقام علم و علماء توجه می‌شد و فضای مناسبی برای رشد علمی فراهم شده بود، از سمرقند به هرات مهاجرت نمود. کتاب مطلع السعدین و مجمع البحرین را در هرات نگاشت (تهرانی، ۱۴۰۸ق، ۲۱، ۱۵۴).

محمد بن خاوندشاه بن محمد، معروف به میرخواند: وی از سادات بخارا بوده و در سال ۸۳۷ در بخارا به دنیا آمده است. وی نیز در عصر تیموریان از بخارا به هرات مهاجرت نموده است کتاب گرانسنگ تاریخی خویش به نام روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء در هرات و در حمایت و کف دربار سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیر نوایی نگاشته است که از کتاب های مهم تاریخی شیعه به شمار می‌رود (همان، ج ۴، ص: ۴۱۳؛ همان، ج ۱۱، ص: ۲۹۶، شماره ۱۷۸۱).

### ب: مهاجرت خاندان دشکتنی شیرازی به هرات

این خاندان که از سادات اصیل و بزرگوار شیراز و منطقه دشتک بوده است که به هرات که در آن زمان یکی از مراکز علم و تمدن اسلامی به حساب می‌آمد، مسافرت و هجرت نموده است. این خاندان چون اکثراً اهل علم و دارای زبان و بیانی فصیح بوده است، مورد استقبال مردم، عالمان و دانشمندان و حاکمان هرات قرار گرفتند و در هرات به نشر معارف اهل بیت: و تبیین عقاید دینی پرداختند. هرکدام از این خاندان دارای آثار علمی و حوزه درسی در هرات بوده است و عالمان و دانش پژوهان اسلامی اعم از شیعه و سنی در محضر بزرگان این خاندان زانوی ادب خم نموده و از محضر آنان استفاده نموده اند که در ذیل به چند تن از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱-ب: مهاجرت جمال الدین دشتکی به هرات

جمال الدین عطالله بن فضل الله حسینی دشتکی محدث و خطیب شیعی سده نهم و دهم هجری است که آثاری نیز در تاریخ، حدیث و تفسیر دارد. مهمترین کتاب او، روضه الاحباب فی سیرالنبی و الآل و الاصحاب است، که آن را به خواهش امیر علی شیر نوایی (متوفی ۹۰۶ ه.ق)، عالم اهل سنت و وزیر سلطان حسین بایقرا، در سه جلد به فارسی نگاشته است. عطاء الدین بن فضل الله در سال ۹۰۰ هجری آن را به پایان رسانده است (حسینی، ۱۳۱۰ ش، ۱، ۳).

#### ۲-ب: مهاجرت اصیل الدین دشتکی به هرات

اصیل الدین عبدالله بن عبدالرحمن حسینی دشتکی، فقیه و فیلسوف شیعه سده ۹ ه.ق از خاندان مشهور دشتکی شیراز است. ایشان که در علوم تفسیر، حدیث و انشاء و در دینداری و تقوی بی نظیر معرفی شده است. در زمان سلطنت سلطان ابوسعید (۸۵۵-۸۷۲ ه) از شیراز به شهر هرات مهاجرت کرد و هفته‌ای یک مرتبه در مدرسه گوهرشاد آغا (همسر نام آشنای شاهرخ میرزا، فرمانروای دولت تیموریان) برای طلاب و اساتید این مدرسه مجلس وعظ و نصیحت برگزار می‌کرد (گلچین معانی، ۱۳۴۶ ش، ۷، ۸۴). وی مفسر و محدث شیعی قرن نهم هجری، از سادات دشتکی شیراز است و خاندان آن سادات جلیل حسینی در عصر شاهرخ یا سلطان ابوسعید گورگان از شیراز به هرات رفته، آن جا اقامت گزیدند، به همین جهت به هروی مشهور شده‌اند. او به دستور آن پادشاه هفته‌ای یک بار در مدرسه عالیہ گوهرشاد آغا، به موعظه و نصیحت می‌پرداخت (شوشتری، ۱۳۷۷ ش، ۱، ۵۲۶). از شاگردان ایشان پسر برادرش جمال الدین عطاء الله دانسته شده است (تهرانی، ۱۴۰۸ ق، ۱۱، ۲۸۵). از وی کتاب‌های نیز به یادگار مانده است که عبارتند از: ۱- درج در در سیره خیر البشر، ۲- رساله مزارات هرات به نام مقصد الاقبال سلطانیة و مرصد الامال خاقانیة و ۳- غرفة الحصن الحصین (همان، ۵، ۲۸۲ و ۸، ۵۸ و ۱۶، ۴۴)

### ۳- ب: مسافرت سید امیر جمال الدین شیرازی دشتکی به هرات:

وی یکی دیگر از عالمان و دانشمندان خاندان دشتکی شیرازی و فرزند برادر اصیل الدین شیرازی است که از شیراز به هرات مهاجرت نمود. وی در علم حدیث تبحر داشت و چندین سال در مدرسه سلطانیه و در خانقاه اخلاصیه مشغول تدریس و تربیت شاگردان علوم دینی بود و هفته‌ای یکبار در مسجد جامع هرات به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت (مدرس تبریزی، ۱۳۶۵ ش، ۱، ۵۲۷). در پایان سده نهم و اوایل سده دهم هجری در هرات می‌زیسته و با سلطان حسین بایقرا همزمان و نخست از وزرای او بود و سپس منصب اشرف دیوان یافت و بعد از وفات آن پادشاه (۹۱۱ هـ) چه از فرزندان او و چه از اوزبکان و صفویان که به نوبت بر هرات استیلا یافتند، شغلی نپذیرفت.

از تألیفات مهم او به فارسی کتاب روضة الاحباب فی سيرة النبى و الآل و الاصحاب است که آن را به درخواست امیر علی شیر نوایی و به صلاح‌دید عمش امیر سید اصیل الدین عبدالله حسینی، تألیف نمود و آن در سه جلد و سه مقصد است: ۱- شرح حال پیامبر ۲- بیان حال یاران او از مردان و زنان، ۳- ترجمه احوال تابعین و تابعین تابعین و مشاهیر ائمه حدیث. دیگر از آثار میر جمال کتاب تکمیل الصناعة است در علم قوافی است (صفا، ۱۳۷۸ ش، ۵، ۱۶۰۶؛ آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ ق، ۳۱۵-۳۱۸؛ خواساری، ۱۳۹۲ هـ. ق، ۲، ۱۸۹-۱۹۴؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ۴، ۳۳۲-۳۳۳؛ حاجی خلیفه، ۱۹۴۱ م، ۱، ۹۲۲-۹۲۳؛ بغدادی، بی‌تا، ۶۶۴).

وی یکی از بزرگان شیعه در هرات بود، ایشان زمانی که در هرات سکونت داشت، فعالیت‌های علمی و فرهنگی فراوان نمود. از آن جمله به تدریس و تعلیم و تربیت شاگرد مشغول بود و از اساتید مدارس علمی بزرگ هرات در آن زمان، مانند مدرسه شریفه سلطانیه و خانقاه اخلاصیه به شمار می‌رفت. علاوه بر این، هر هفته یک بار در مسجد جامع دارالسلطنه هرات به ارشاد و موعظه مشغول بود (شوشتری، ۱۳۷۷ ش، ۱، ۵۲۸).

### ج: مهاجرت امیر نسیم الدین دشتکی به شیراز

امیر نسیم الدین محمد مشهور به میرک شاه حسینی دشتکی شیرازی خلف الصدق امیر جمال الدین عطا الله است. وی در فنون علمیه یگانه روزگار خود بود و در گنبدی که بر قبر پادشاه سعید شاهرخ ساخته‌اند به موعظه خلائیق اشتغال داشت و در مدرسه شریفه سلطانیه هرات به درس و افاده می‌پرداخت (حسینی فسایی، ۱۳۸۲ش، ۲، ۱۰۵۷).

### د: مهاجرت خاندان کاشفی واعظی از بیهق به هرات

یکی از خانواده‌های علمی شیعی که در عصر تیموریان که به طور مکرر به هرات مسافرت داشت، خانواده واعظی کاشفی است که از سبزووار به هرات مهاجرت نمودند و از فرصت پیش آمده در حکومت تیموریان که به علم و علماء احترام قایل بودند، استفاده نمودند.

### ۱-د: مهاجرت کمال الدین حسین به هرات

یکی از این عالمان کمال الدین حسین کاشفی است. وی از دانشمندان بلند آوازه و معروف قرن نهم هجری است که در اصل از مردم بیهق سبزووار بوده و در زمان حکومت تیموریان و رونق حوزه‌های علمیه شیعه در هرات به آن دیار مسافرت نموده، و در آنجا رشد و نمو یافته است. وی در آن شهر از واعظان و مدرسان بنام محسوب می‌شد. ایشان مدتی که در سبزووار به سر می‌برد، به وعظ و خطابه مشغول بود. مدتی نیز به نیشابور رفته و در آن دیار به تبلیغ و تبیین معارف اسلامی همت گماشت و از آنجا وارد هرات شد (حضرتی و مقیمی، ۱۳۷۷ش، ۱۲۵-۱۵۱).

### ۲-د: مهاجرت فخرالدین کاشفی به هرات

فخرالدین علی کاشفی معروف به صفی: یکی دیگر از خاندان واعظ کاشفی است که در هرات اقامت گزید، فخرالدین علی صفی فرزند کمال الدین حسین واعظ کاشفی است. وی

در سال ۸۶۸ ه. در سبزوار به دنیا آمد. ایشان نیز از جمله کسانی است که به هرات که در این زمان مرکز علم و فرهنگ در شرق جهان اسلام بود، مهاجرت نمود. وی در مسجد جامع هرات که خلقی بسیار جمع می‌شدند به وعظ و نصیحت می‌پرداخت (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ۴، ۳۴۶). در این که وی از مذهب شیعه پیروی می‌کرده یا سنی مذهب بوده است، اختلاف وجود دارد، ولی بسیار عالمان و تراجم نگاران وی را شیعه دوازده امامی دانسته اند. به عنوان نمونه میرزا عبدالله آفندی اصفهانی وی را شیعه امامی دانسته و معتقد است که دلایل فراوانی بر این امر وجود دارد که از جمله آنها گفته خود ایشان در اول کتاب حرزالامان است که خلاصه آن از این قرار است:

«مباحث این کتاب چون از جمله علوم است که منسوب به آل عبا و ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین است، لاجرم مقالات و ابواب آن را بر پنج که عدد آل عبا است بنا نهادم و فصول ابواب مذکور که در اثنای کتاب تفصیل خواهد یافت، بر دوازده که عدد ائمه اثنی عشر است، قرار دادم». (مدرس تبریزی، ۱۳۶۵ ش، ۳، ۱۹۶؛ آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۳، ۴۳۵-۴۳۶).

### ه: مهاجرت شیخ جلال الدین آذری به هرات

یکی از عالمان شیعی بوده که از وی به عنوان عین الکاملین و زین العارفین تعبیر شده است. او که از علماء و عرفای قرن نهم و از شهر بیهق، - یکی از شهرهای شیعه نشین خراسان- و از منطقه خواجه حمزه بوده است. پدر وی از سربداران سبزوار است که از شیخ نعمت الله ولی سرسلسله نعمت اللهیه خرقة و اجازه گرفت (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰ ش، ۶۱). وی تألیفاتی در زمینه عرفان دارد که از جمله‌ی آنان کتاب های جواهرالاسرار که به عنوان گنجینه معارف گزارش شده است، طغرای همایون، عجائب الغرائب و در حرم از تألیفات این عالم جلیل القدر است (استرآبادی، ۱۳۷۸ ش، ۱، ۶۳۰؛ اوحدی، ۱۳۸۸ ش، ۱، ۴۴۹-۴۵۰).

### ز: مهاجرت نظام الدین اشرفی از جرجان به هرات

عبدالحی حسینی هروی معروف به نظام الدین اشرفی از علمای قرن نهم و دهم است که در هرات زندگی داشت. وی اصالت جرجانی (یکی از شهرهای ایران) دارد، و در فقه، کلام و ادبیات تبحر داشته است. به همین جهت وقتی به هرات آمد، مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت. از جمله کتابهای وی در فقه شیعه عبارتند از: ترجمه الفیه شهید اول، شرح کبیر و صغیر بر الفیه شهید اول، المعضلات در مشکلات فقهیه و حاشیه بر حاشیه سید شریف بر شرح شمسیه (مدرس تبریزی، ۱۳۶۵ش، ۶، ۲۰۲؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق، ۱۰، ۱۱۵؛ آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ه. ق، ۳، ۸۷؛ قمی، ۱۳۸۷ش، ۲۲۶، تهرانی، ۱۳۹۰ق، ۴، ۱۱۹؛ کحاله، ۱۳۷۶ق، ۵، ۱۰۸).

### ح: مسافرت جلال الدین حسین اردبیلی به هرات

وی یکی از عالمان برجسته شیعه است که در عهد حکومت تیموریان، از اردبیل ایران به هرات مسافرت نموده و در آنجا مشغول تحصیل علم و تألیف کتاب شد. وی کتابی به نام علیشیر نوائی نگاشته است (امین، ۱۴۰۳ق، ۶، ۵۲). ایشان از معدود افرادی است که در آن عصر در مورد معارف تشیع به زبان فارسی کتاب نوشته است و از شاگردان جلال الدین دوانی و غیاث الدین محمد بود. وی تحصیلات خویش را در هرات به اتمام رسانده است. از تألیفات ایشان می‌توان به تفسیر قرآن کریم، فضائل ائمه، گلشن راز، ترجمه منهج الدعوات ابن طاووس از آثار فارسی این عالم جلیل القدر است و به زبان عربی نیز تألیفات دارد (آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ۳، ۹۸-۱۰۰).

بنابراین، در عصر تیموریان، عالمان شیعی از مناطق مختلف به هرات مهاجرت نموده اند و طبیعی است که مهاجرت این علماء به هرات، آثار و برکات فراوانی از آن جمله در گسترش علوم اسلامی داشته است. بطوری که آثار علمی زیادی از عالمان شیعی که به هرات مسافرت نموده اند، به جای مانده است که امروزه نیز مورد استفاده علماء است و بسیار از آنها در حوزه های علمیه شیعه مشهود است. جلسه های وعظ و سخنرانی توسط علمای

شیعه در هرات از دیگر آثار و برکات مسافرت علما به این شهر است. به عنوان نمونه جلسات وعظ و روضه خانی واعظ کاشفی اثر بسیار مهمی در معرفی امام حسین علیه السلام و واقعه‌ی عاشورا داشت.

### نقش علمای شیعه در گسترش علوم اسلامی

با توجه به رونق علمی هرات در عصر تیموریان و حضور عالمان شیعی از مناطق مختلف، می‌توان گفت علمای شیعه در این دوره تاریخ نقش مهم در گسترش علوم اسلامی داشته‌اند که در ذیل اشاره می‌شود:

#### الف: اخلاق و عرفان

یکی از شاخه‌های علوم اسلامی که در عصر تیموریان در حوزه‌های علمیه شیعه هرات مورد توجه علمای شیعه بوده است؛ اخلاق و عرفان است. به همین جهت، عالمان شیعه در حوزه اخلاق و عرفان دارای تألیفات علمی بوده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### سید صدرالدین یونس الحسینی

یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار شیعه در هرات که گرایش صوفی‌گری نیز داشت، سید صدرالدین حسینی است. وی علاوه بر فضل و کمالات بی‌شمار، حوزه‌درسی نیز داشت و در مدرسه سبز برامان، مدرسه بدیعیه و مدرسه غیاثیه به تدریس، تعلیم و تربیت شاگرد مشغول بوده است. هرچند اطلاع زیادی از زندگینامه این سید جلیل‌القدر وجود ندارد ولی یکی از مورخان نزدیک به زمان ایشان چنین نگاشته است:

«امیر صدر الدین یونس الحسینی ولد امیر رضی الدین عبد الاول بن امیر معین الدین مرتضی بن امیر صدر الدین یونس بود که باوجود شرف نسب بوفور فضل و کمال نیز اتصاف داشت و سالها در مدرسه شریفه سبز بر امان و مدرسه بدیعیه و مدرسه غیاثیه بقلم دانش نقش افادت بر صحایف خواطر طلبه می‌نگاشت و در زمان استیلاء محمد خان شیبانی بر

دیار خراسان منصب احتساب متعلق به آن سیادت‌مآب گشت و یک‌دو سال در غایت امانت و دیانت بلوازم آن امر پرداخته بالاخره بطیب نفس از سر آن منصب درگذشت و بعد از آن بموجب استدعاء قنبر میرزا که حاکم بلخ بود بانجا توجه نمود و قنبر میرزا منصب شیخ الاسلامی بلخ را بوی رجوع فرمود» (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ۴، ۳۵۲).

### سید رکن الدین غوری هروی

یکی دیگر از شخصیت‌های علمی هرات در قرن هفتم و هشتم که دارای اثر علمی فراوان نیز هست، سید رکن الدین حسین بن عالم بن ابی الحسین مشهور به امیر حسینی هروی است. وی در روستای گریوه (گیزو) از نواحی ولایت غور دیده به جهان گشود (صفا، ۱۳۷۸ش، ۳، ۷۵۲). از تاریخ ولادت وی اطلاعی در دست نیست. او در خانواده‌ای که اعضایش از سادات حسینی غور و از خاندان‌های اصیل و اهل معرفت و کمال بودند، پرورش یافت. تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش سیدنجم الدین ابالحسین آموخت و آن‌گاه برای تکمیل معلومات خود، به شهرهای هرات و نیشابور سفر کرد. مورخان در مورد وی نگاشته اند:

«امیر حسینی - قدس سرّه - معاصر ملک غیاث الدین بوده. نام آن جناب حسین بن عالم بن ابی الحسین است و امیر حسینی در اصل از گزیو بود و در علوم ظاهری و باطنی تبحر داشت. وی مدتی به مولتان رفته نزد شیخ رکن الدین ابو الفتح بن شیخ صدر الدین زکریا که در عرفان تبحر داشت تلمذ نمود. سپس به هرات آمد و در آنجا به درس، بحث و ارشاد مردم مشغول شد. بعد از مدتی بسیاری از مردمان هرات مرید وی شدند» (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ۳، ۳۷۹؛ نوائی، ۱۳۷۹ش، ۸۱؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰ش، ۵۴۵).

گفته شده است: امیر حسینی غور، فخر عراقی، و شیخ اوحدی هرسه از شاگردان شهاب سُهروردی، بوده است. به هر دلیلی هر کدام کتابی نوشت و به استاد عرضه نمود، عراقی اللمعات را نوشت، اوحدی ترجیعات و میرحسینی زادالمسافرین را تألیف نمود. کتاب امیر حسینی بیشتر مورد توجه استادش جناب سُهروردی قرار گرفت (تهرانی، ۱۴۰۸ق، ۹، ۱۰۰).

وی یکی از شخصیت‌های پرتلاش، مؤثر و دارای آثار علمی فروان است. مانند:

۱- زادالمسافرین، مثنوی عرفانی در سیر و سلوک که بر اساس کتاب گلستان نگاشته شده است (یان ریپکا، ۱۳۸۱ ش، ۳۵۸).

۲- کنز الرموز، مثنوی‌ایست عرفانی بر وزن مثنوی مولوی که به بحثی درباره دین و متفرعات آن، و آنگاه به بیان مطالبی مانند علم و توحید و نفس و دل و روح و عقل و توکل و قرب و بعد و قبض و بسط و شوق و تفرید و تجرید و تلوین و تمکین و غیب و حضور و علم الیقین و عین الیقین و تجلی صفات و تجلی ذات و سماع توجه کرده است (صفا، ۱۳۷۸ ش، ۷۵۶، ۳).

۳- نزهة الأرواح؛ موضوع کتاب بیان مراحل سلوک و شرایط و لوازم آنست و امیر حسینی با کمال مهارت و استادی این توضیحات دشوار را در نثر موزون و همراه با ابیات و اشعاری از خود گنجانیده است و به شیوه خواجه عبدالله انصاری نگاشته شده است (همان، ۱۶۶۰).

۴- طرب المجالس؛ به نثری شیوا و دلکش بشکل مناظره جانوران و پرندگان بر اسلوب کلیله و دمنه در اخلاق مدنی است (اسفزاری، ۱۳۳۸ ش، ۱، ۲۸۲).

۵- سی نامه

۶- عنقای مغرب، نثری است در عرفان (تهرانی، ۱۴۰۸ ق، ۹، ۱۰۰).

۷- سؤالات منظوم گلشن راز، اساساً محمود شبستری در مثنوی گلشن راز به سؤالات امیر حسینی راجع به اصول تصوف پاسخ می‌دهد (راوندی، ۱۳۸۲ ش، ۹، ۳۳۸).

۸- روح الارواح،

۹- صراط المستقیم یا نجات الطالبین، رساله کوچکی است که به نثر فارسی ساده و روان در بیان سلوک و وظیفه سالکان نگاشته شده است موضوع همه آنها تحقیقات عرفانیست (صفا، ۱۳۷۸ ش، ۳، ۱۲۸؛ اسفزاری، ۱۳۳۸ ش، ۱، ۲۸۲؛ بغدادی، بی‌تا، ۱، ۳۱۴).

کنز الرموز و زاد المسافرین از جمله منظومات اوست و نزهة الارواح و روح الارواح و از

جمله منثورات اوست.

سید قاسم انوار

وی یکی دیگر از عالمان و عارفان برجسته شیعی هرات در عصر تیموریان است. وی در زمان شاهرخ میرزا در هرات، علاوه بر این که مشغول ارشاد و موعظه بود و آثار عرفانی از وی به جای مانده است که می‌توان گفت در گسترش علم اخلاق و عرفان نقش داشته است. از وی اشعاری باقی مانده است که شامل اشعار مثنوی انیس العاشقین و دیوان اشعار اوست که قطعات، رباعیات و غزلیات را در بر می‌گیرد. اشعار ایشان غالباً در تصوف، عرفان، نصایح و فضائل ائمه اطهار<sup>ع</sup> سروده شده است. از جمله آثار ایشان تذکره الاولیاء یا مقامات العارفین است (شوشتری، ۱۳۷۷ش، ۲، ۴۴-۴۷؛ مدرّس تبریزی، ۱۳۶۵ش، ۴، ۴۱۰).

### ب: کلام و علوم عقلی

یکی از شاخه‌های علوم اسلامی که در عصر تیموریان، در هرات رونق فراوان داشت، علماء و دانشمندان اسلامی در آن زمینه تعلیم و تحقیق داشتند، علم کلام و علوم عقلی بوده است. عالمان شیعه در این دوره تاریخی به استفاده از فضای مسالمت آمیز به گسترش علوم عقلی و علم کلام پرداختند. به عنوان نمونه به برخی از شخصیت‌ها که در حوزه علم کلام تحقیق و پژوهش نموده و کتاب‌های از خود به جای گذاشته است اشاره می‌شود:

مولی کمال الدین یا جلال الدین حسین بن خواجه شرف الدین عبد الحق اردبیلی

وی از علماء و دانشمندان هرات در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است. آنچنان که از لقب پدرش معلوم است، ایشان اصالتاً اردبیلی بوده است. ولی خود مولی کمال الدین مدتی در هرات زندگی نموده و در آنجا به تعلیم و تعلم مشغول بوده چنانکه از محضر امیر جمال الدین عطاءالله بن فضل‌الله حسینی در هرات بهره برده و از وی اجازة نامه دریافت نموده است (آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ۲، ۹۹). وی به محضر امیر علی شیر نوایی که یکی از دانشمندان و فرهنگ‌دوستان معروف هرات و وزیر تیموریان بوده است، و مدتی نیز محضر غریب میرزا فرزند سلطان حسین بایقرا، مشغول خدمت بوده است. وی زمانی که در

محضر امیر علی شیر نوائی بوده کتابی برای ایشان نگاشته است. برخی وی را سنی و برخی به وی نسبت غلو داده‌اند. ولی آنچه که مسلم است بنا به گفته اعیان الشیعه، ایشان شیعه بوده و در عصر خویش اولین کسی بوده است که به زبان فارسی در باره شرعیات بر پایه مذهب تشیع کتاب نوشته است که به مثابه رساله عملیه شماره می‌شود (امین، ۱۴۰۶ق، ۶، ۵۲). وی کتابی در امامت و حواشی و حاشیه‌های متعددی در کتاب‌های کلامی داشته است مانند: شرح گلشن راز، حاشیه شرح مواقف، حاشیه شرح شمسیه، حاشیه شرح مطالع، کتابی در فضل ائمه اثنی عشر، وی در این کتاب فضایل امامان شیعه و دلایل امامت آنها را بیان داشته است و (همان؛ آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ۲، ۹۸-۱۰۸؛ صفوی، بی‌تا، ۴۹؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۴ش، ۱، ۷۲).

یکی از محققان در مورد ایشان نوشته است:

«از جمله عالمان قدیم فارسی‌نویس در شرعیات کمال الدین حسین بن خواجه شرف الدین عبد الحق اردبیلی... است که مردی فاضل و شاعر و متمایل بتصوف و از شاگردان جلال الدین دوانی و میر غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی بود... وی شرحی بر نهج البلاغه بفارسی بنام شاه اسمعیل نوشت موسوم به نهج الفصاحه، کتابی هم در شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری دارد و کتابهایی دیگر در موضوعهای کلامی و علمی و حکمی و تفسیر؛ درباره او نوشته‌اند اولین کسی است که در شرعیات بنابر مذهب شیعه بفارسی کتاب نوشت. از جمله اثرهای او، غیر از آنچه ذکر کرده‌ام، کتاب تاج المناقب فی فضائل الائمة است بفارسی و دیگر تفسیر فارسی قرآن در چند مجلد» (صفا، ۱۳۷۸ش، ۵، ۱۴۷۲).

آفندی اصفهانی تعداد آثار علمی این دانشمند شیعی را بیش از ۳۰ اثر معرفی نموده است (آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ۲، ۱۰۱). غالب این آثار در علوم عقلی و کلامی است مانند: شرح گلشن راز، و حاشیه بر شرح الشمسیه مولی قطب الدین رازی، حاشیه علی شرح المطالع قطب، حاشیه بر شرح الهدایه در الحکمة اثر الدین ابهری، شرح لمیرک حکیم مثل شرح هدایه میدی، حاشیه بر حاشیه جلالیه و حاشیه صدریه علی شرح جدید تجرید، و همچنین حاشیه دیگر بر شرح جدید تجرید از بحث امور عامه و این حاشیه غیر از

آن حاشیه قبلی است، حاشیته بر شرح جغمینی در هیئة و حاشیته بر شرح تذکرة الهیة النصیریة، که در جمیع مسائل با ذکر براهین نگاشته شده، و شرح بر اشکال التأسیس که همراه با ذکر برهان بر مسائلش تدوین شده است. و شاید شرح بر اصل اشکال التأسیس باشد، و این دوتای اخیر را برای علی شیر نوایی وزیر و مشاور سلطان حسین بایقرا نوشته است. و همچنین شرح بر رساله بیست باب خواجه نصیر الدین الطوسی که همراه با ذکر براهین است و حاشیه‌ی بر تحریر اقلیدس در هندسه. علاوه بر این ها، ایشان تعلیقاتی نیز بر شرح جلالی بر رساله‌ی اثبات العقل خواجه نصیر طوسی و تلخیص کتاب تحریر اقلیدس با ضمیمه بعض فوائد و اختراع براهین و مسائل جدید و بدیع که برای امیر علی شیر نوای نوشته است (همان).

### سید امیر نظام الدین عبدالحی اشرفی

ایشان نیز یکی از عالمان شیعی قرن نهم و دهم است که در هرات می‌زیسته، هر چند وی اصالتاً از استرآباد بوده ولی در هرات به تحصیل علم مشغول بوده است. وی علوم نقلی و عقلی را در هرات فرا گرفت تا اینکه شهرتش به گوش سلطان حسین بایقرا که خود اهل علم و مطالعه بود، رسید. سلطان حسین وی را به دربارش دعوت نمود و مورد لطف و احترام قرار داد و ایشان را به تدریس در مدرسه گوهر شاد که یکی از مدارس مهم و به نام هرات در آن زمان بود، فرستاد (نوائی، ۱۳۷۹ش، ۲۸۸). بدین ترتیب، ایشان حوزه درسی داشته و در مدرسه گوهر شاد مشغول تعلیم و تربیت بوده است (موسوی خوانساری، ۱۳۹۲ق، ۴، ۱۹۱). در زمان حکومت صفویه نیز ایشان سمت قضاوت را در هرات داشته است. در کتاب تاریخ حبیب السیر آمده است:

«امیر عبد الحی در شهر سنه اثنی و تسعین و ثمانمائیه از بلده استرآباد بدار السلطنه هراة خرامیده همگی اوقات خجسته ساعات را بتحصیل علوم عقلی و نقلی مصروف داشت و بواسطه جودت ذهن و حدت طبع باندک زمانی قصب السبق از امثال و اقران ربوده رایت مهارت در فنون محسوس و مفهوم برافراشت لا جرم منظور نظر عاطفت ارکان دولت خاقان

منصور شده در مدرسه مهد علیا گوه‌رشاد آغا بمنصب تدریس منصوب گشت و کما ینبغی بلوازم افاده مشغولی مینمود» (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ۴، ۶۱۴).

در کتاب ریاض العلماء آمده است:

«سید امیر نظام در شهر هرات زندگی می‌کند و در کمال عزت و احترام به سر می‌برد و به نشر مسائل علوم دینی و روشن ساختن پوشیدگیهای معارف یقینیه اشتغال می‌ورزد و در واقع او در این روزگار به مزید علم و دانش بر اکثر سرشناسان خراسان برتری پیدا کرده است و به نوک قلم و زبان به اظهار انواع حقایق و دقایق علوم می‌پردازد و چرخ کارهای قضاوت شرعی و فتاوی دینی بر محور او به حرکت درمی‌آید» (آفندی اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ۳، ۱۱۵).

وی تألیفاتی دارد از جمله:

۱- کتاب اصول الدین که در باره دین اسلام و اصول مذهب شیعه است؛

۲- کتاب منطق؛

۳- حاشیه بر شرح هدایه الاثر در حکمت؛

۴- الحاشیه علی الفرائض المنصیرله؛

۵- شرح منطق (موسوی خوانساری، ۱۳۹۲ق، ۴، ۱۹۱).

ایشان ظاهراً در زمان حکومت صفویه نیز حوزه درسی داشته و تعلیم و تربیت شاگردان،

مشغول بوده است چنانکه گفته شده است:

«... و همواره خاطر ستوده مآثر بر نشر مسایل دینی و اظهار خفیات معارف یقینیه

می‌گمارد» (نوائی، ۱۳۷۹ش، ۲۸۸).

این نشان می‌دهد که وی شخصیت تأثیر گزار در حوزه علم و فرهنگ بوده است و با

فعالیت های علمی و فرهنگی که داشته در گسترش علوم اسلامی به ویژه علوم عقلی نقش داشته است.

## ج: علوم حدیث و تفسیر

از دیگر علوم اسلامی که در حوزه های علمیه هرات رونق داشت، علماء و دانشمندان

شیعی کتاب آثاری در آن زمینه نگاشته است، علوم حدیث و تفسیر بود. به عنوان نمونه کمال الدین حسین بن علی کاشفی سبزواری بیهقی واعظ مشهور به «ملا حسین کاشفی» یا «ملا حسین واعظ» یکی از عالمانی است که چندین کتاب تفسیری نگاشته است. وی از جمله دانشمندان و مؤلفان پرکار قرن نهم و آغاز قرن دهم هجریست که وسعت اطلاعات و توانایی وافرش در تألیف و تصنیف، وی را در شمار نویسندگان مشهور فارسی درآورد و فرصت آن داد تا آثار متعدد و متنوعی از خود بیادگار گذارد.

ولادتش در اواسط نیمه اول قرن نهم در سبزواری، قصبه بیهقی، بود، اوایل عمر و بخشی از دوران جوانی را هم در آن شهر بسر آورد، در ماه ذی الحجه سال ۸۶۰ ق در مشهد، بر اثر خوابی که دیده بود راه هرات در پیش گرفت و آنجا هنگام زیارت مزار خواجه با مولانا جامی ملاقات کرد و با او معاشرت نموده و در همان شهر ماندگار شد و بوعظ و تذکیر و تصنیف ادامه داد و با رجال و شاهزادگان آشنایی و مجالست یافت و چون نوبت پادشاهی به سلطان حسین میرزای بایقرا رسید بر مرتبت و شهرت او افزوده شد و در خدمت امیر علیشیر نوائی جایگاه و مرتبتی بسیار یافت و بترغیب و تشویق او تصانیف بسیار پرداخت و در این شهر منصب وعظ و خطابت داشت و هر بامداد آدینه در دارالسیاده سلطانی و پس از نماز همان روز در مسجد جامع علیشیر و هر سه شنبه در مدرسه سلطانی و هر چهارشنبه بر سر مزار یکی از مشایخ یعنی خواجه ابو الولید احمد وعظ می کرد و روزگار را بهمین نسق و در اشتغال بتألیف و تصنیف می گذرانید تا بسال ۹۱۰ درگذشت.

درباره گرایش مذهبی او، هم از زمان حیاتش، اختلاف بود چنانکه در پاره‌ای نواحی برفض و در پاره‌یی دیگر بتسنن اشتها داشت. ولی چون ولادت و تربیت اولیه‌اش در شهر سبزواری که از مراکز قدیم شیعیان اثنی عشریست، وابستگی او را بمذهب تشیع نشان می دهد، بهر حال او مردی بود عالم و آزاده و شاعر و نویسنده و واعظی راهنما و پاکیزه سیرت و نه گرفتار پنجه تعصب. آثار او متعدد و متنوع، و در موضوعات گوناگون ادبی و دینی و علمی است و از آن جمله است:

۱) جواهر التفسیر لتحفة الامیر بنام امیر علیشیر نوائی. مجلد اول این کتاب بسال ۸۹۰

ق پایان یافت و مجلد دوم آنرا که بسال ۸۹۲ آغاز کرده بود، ناتمام نهاد. در آغاز جواهر التفسیر علوم متعلق به علم تفسیر قرآن ذکر شده است.

(۲) جامع الستین در تفسیر سوره یوسف.

(۳) مواهب علیه معروف به «تفسیر حسینی» بنام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا. این تفسیر سودمند جامع را کاشفی بسال ۸۹۹ تألیف نمود.

(۴) مختصر الجواهر، خلاصه‌ای از جواهر التفسیر در تفسیر قرآن کریم (استرآبادی، ۱۳۷۸ش، ۱، ۶۶۸-۶۶۹؛ چلبی، ۱۳۷۶ش، ۴۶۶؛ جعفریان، ۱۳۷۹ش، ۱۰۶۷).

براین اساس، عالمان و دانشمندان شیعی که در عصر تیموریان در هرات فعالیت علمی و فرهنگی داشتند، در حوزه علوم حدیث و قرآن نیز اثر گذار بوده و در گسترش آن نقش داشته است.

## د: علم فقه و اصول

یکی دیگر از علوم که در عصر حکومت تیموریان توسط عالمان شیعه گسترش پیدا نمود علم فقه و اصول بود. هرچند در مقر حکومت تیموریان به خاطر تسامح مذهبی آنان مباحث کلامی، اعتقادی و تاریخی بیشتر مورد توجه علماء و دانشمندان بود ولی عالمان شیعی به هیچ وجه از علم فقه و اصول غافل نبودند به همین جهت علاوه بر تدریس و بحث این علوم آثار علمی نیز باقی مانده است که گواه بر گسترش علم فقه و اصول توسط عالمان شیعه است. یکی از عالمان که در گسترش در علم فقه و اصول نقش داشته است سید کمال الدین حسینی است. ایشان علاوه بر مباحث عقلی در فقه و اصول نیز فعالیت‌های علمی داشته و طبعا در گسترش این علوم نیز نقش داشته است. به عنوان نمونه وی کتابی دارد به نام شرح ارشاد که مرحوم آفندی می‌گوید شاید مراد همان کتاب فقه فارسی باشد که ایشان نوشته است که در واقع ترجمه مسائل الارشاد است (آفندی، ۱۴۰۳ق، ۲، ۱۰۲). همچنین ایشان حاشیه‌ای بر قواعد علامه در فقه نگاشته است که تا آخرنماز مسافر بحث نموده است، کتاب دیگر در فقه به نام خلاصه الفقه دارد (همان، ۱۰۳).

عالم دیگری شیعی که در گسترش علم فقه اثر گذار بوده است سید نظام الدین عبدالحی اشرفی است. وی علاوه بر این که الفیه شهید اول را ترجمه نموده و در اختیار مؤمنین قرار داده است شرح‌های نیز بر الفیه نگاشته است که عبارتند از شرح کبیر بر الفیه شهید اول و شرح صغیر بر الفیه (همان، ۳، ۱۱۴). در مورد ترجمه الفیه گفته شده است:

«و ترجمه الفیه شهید که به پارسی است و به درخواست یکی از امیران ترجمه شده است و آثار مفید و تحقیقاتی دیگر درباره نماز و زکات و نکاح و امثال این‌ها بدان ضمیمه کرده است و مطالب ارزنده‌ای را در آن ایراد نموده است» (همان، ۱۱۳).

یکی از تألیفات ایشان رساله‌ای به نام رساله معضلات است که در خصوص اشکال‌های علوم حکمیه و فقهیه و امثال این‌ها نوشته شده است (همان).

براین اساس، عالمان شیعه در عصر حکومت تیموریان، در گسترش علم فقه و اصول نقش داشته‌اند.

## هـ: علم تاریخ و سیره نویسی

بحث و بررسی دانش تاریخ و سیره در مراکز آموزشی هرات جایگاه ویژه داشت، تبعاً حوزه‌های علمیه، عالمان و دانشمندان شیعه نیز از این مهم غافل نبودند و به ثبت وقایع و جریان‌های تاریخی گذشته و در حال ظهور آن روزگار می‌پرداختند. به عنوان نمونه به چند نفر از شخصیت‌های تاریخ نویس شیعه در عصر تیموریان اشاره می‌شود:

### محمد بن خاوندشاه

محمد بن خاوندشاه بن محمود، معروف به میرخواند یا میرخوند تاریخ‌نگار سده نهم هجری است که اثر برجسته او روضه‌الصفاء نام دارد. پدر او برهان‌الدین خاوندشاه از سادات بخارایی بود و به بلخ کوچیده بود. خود میرخواند بیشتر زندگیش را در هرات و در پناه امیر علیشیر نوایی زیست. کتاب روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء والملوک والخلفاء که بیشتر روضه‌الصفاء می‌خوانند و به تاریخ جهان از آغاز تا زمان نویسنده بازمی‌گردد، از معروف‌ترین کتاب‌های تاریخ به زبان فارسی است (معزی، ۱۳۸۵ ش، ۶۳-۸۰). با توجه به کتاب روضه

الصفاء و مباحث روز غدیر و بیعت امام علی ۷ به خوبی روشن می‌شود که ایشان شیعه بوده است. (ر.ک: روضة الصفاء، ج ۴، بحث سال دهم)

### غیاث‌الدین

غیاث‌الدین بن همام‌الدین ملقب به خواندمیر نواده دختری میرخواند، تاریخ‌نگار قرن نهم هجری و نویسنده روضة الصفاء است (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ۱، ۶). ظاهراً در هرات به دنیا آمد. در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و مورد توجه و محبت امیر علیشیر نوایی قرار گرفت و مدتی عهده‌دار وزارت بدیع‌الزمان میرزا پسر سلطان حسین بود. در سال ۹۳۵ به هندوستان سفر کرد و در آنجا به خدمت بابر پیوست و پس از وفات او در خدمت پسرش همایون بود. در هندوستان درگذشت و بنا به وصیتش در دهلی نزدیک قبر نظام‌الدین اولیاء و امیر خسرو دهلوی دفن شد.

خواندمیر نویسنده‌ای پرکار و صاحب آثار متعدد است. نخستین اثر او خلاصة الاخبار، و بزرگترین و مهم‌ترین اثر او حبیب‌السیر است. از دیگر آثار او دستور الوزرا، آثار الملوک و الانبیا، منتخب تاریخ و صاف و تکمله‌ی روضة الصفاء است. وی نیز از عالمان برجسته تشیع در هرات بوده است (همان، ۲ و ۴۱۱).

### خوافی

فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد خوافی: ایشان یکی از شخصیت‌های علمی در هرات در عصر تیموریان بوده که کتاب مهم مجمل فصیحی در ۳ جلد نگاشته ایشان است. این اثر از منابع معتبر تاریخی است که در خطه هرات و در عصر تیموریان به نگارش درآمده است. در مورد مذهب ایشان، مطلبی که بر گرایش مذهبی ایشان دلالت نماید به چشم نخورد، جز اینکه الذریعه کتاب وی را به عنوان یکی از مصنفات شیعه آورده است (تهرانی، ۱۴۰۸ ق، ۲۰، ۵۱).

بنابراین، علم تاریخ و سیره‌شناسی که یکی از شاخه‌های علوم اسلامی به حساب می‌آید در عصر تیموریان هرات از رونق خوبی برخوردار بوده و عالمان شیعه در گسترش آن نقش

داشته‌اند، کتاب‌های مختلف در این زمینه نگاشته‌اند که امروزه در اختیار محققان قرار دارد.

## نتیجه

هرات در عصر تیموریان، به عنوان پایگاه و مرکز علمی و فرهنگی جهان اسلام تبدیل شد. حاکمان تیموری هرات که خود غالباً اهل علم و دانش بودند، از وزیران و مشاوران دانشمند؛ مانند علی شیر نوائی و عبدالرحمان جامی استفاده نموده فرهنگ و تمدن از بین رفته اسلامی را در این شهر باستانی دوباره احیا نمودند. علاوه بر ایجاد مراکز علمی و فرهنگی به علماء و دانشمندان توجه خاص داشتند. به همین جهت بسیاری از عالمان شیعه، از بلاد مختلف جهان اسلام به شهر هرات مهاجرت نموده مورد استقبال حاکمان تیموری و وزیران و مشاوران دانشمند آنان قرار می‌گرفتند. حاکمان تیموری علاوه بر این که خود تعصب مذهبی نداشتند و با پیروان مذاهب مختلف با تسامح برخورد می‌کردند زمینه تعامل علمی و فرهنگی عالمان شیعه و اهل سنت را فراهم نمودند که خود زمینه ساز گسترش علوم اسلامی بود. مهاجرت علمای شیعه به هرات و تعامل علمی و فرهنگی آنان با دانشمندان اهل سنت باعث گسترش علوم اسلامی در حوزه های علمیه هرات گردید که نقش عالمان شیعه در آن از برجستگی خاص برخوردار است. در عصر تیموریان، علوم مختلفی مانند، فقه و اصول، عرفان و اخلاق، کلام و فلسفه، حدیث و قرآن، تاریخ و سیره‌شناسی رونق خوبی برخوردار بوده است. عالمان شیعه نیز در گسترش این علوم نقش مؤثر داشته‌اند.

## کتابنامه

- .....
- ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۸۸) مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم،
- ابوالفضل مبارک، (۱۳۸۵ش)، اکبرنامه، تحقیق و تصحیح: غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول،
- استر آبادی، محمد قاسم هندو شاه (۱۳۷۸ش)، تاریخ فرشته از آغاز تا بابر، تحقیق و تصحیح: محمد رضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- اسفزاری، معین الدین محمد زمچی، (۱۳۳۸ش)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تحقیق و تصحیح: سید محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی (۲۰۰۴م)، مسالک الممالک، انتشارات دار صادر لیدن، افسر، بیروت.
- افندی اصفهانی، میرزا عبد الله، (۱۴۰۳ه. ق)، ریاض العلما و حیاض الفضلا، قم.
- اقبال آشتیانی، عباس و پیرنیا، حسن، (۱۳۸۰ش)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران، خیام، چاپ نهم.
- امین، سید محسن (۱۴۰۶ق)، اعیان الشیعه، بیروت؛ دارالتعارف للمطبوعات.
- امین، محسن، (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، دار التعارف للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ اول.
- اوحدی تقی الدین، محمد، (۱۳۸۸ش)، تذکره عرفات العاشقین، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- بغدادی، اسماعیل باشا، (بی تا)، هدیة العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی.
- بغدادی، اسماعیل باشا، (بی تا)، هدیة العارفین، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۸ق)، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ایران، قم، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة تهران.
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۹ش)، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، تهران، پژوهشکده

حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

چلپی، مصطفی بن عبدالله، حاجی خلیفه، (۱۳۷۶ش)، ترجمه تقویم التواریخ، مترجم ناشناخته، تحقیق و تصحیح: میر هاشم محدث، تهران، احیاء کتاب، چاپ اول.

حسینی، جمال‌الدین، (۱۳۱۰ش)، روضة الاحباب فی سیر النبی و الآل و الاصحاب، چاپ سنگی لاهور چاپ افست مهاباد.

حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، (۱۳۸۲ش)، فارسنامه ناصری، تحقیق و تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم.

حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود، (۱۳۹۹ش) ریاض الفردوس خانی، تحقیق و تصحیح: ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران، دکتر محمود افشار.

حضرتی، حسن و مقیمی، غلامحسن، (۱۳۷۷ش)، نگاهی اجمالی به حیات و اندیشه سیاسی ملا حسین واعظ کاشفی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۹.

خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰ش)، تاریخ حبیب‌السیر، تهران، خیام، چاپ چهارم. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، (۱۳۷۲ش)، مآثر الملوک، تحقیق و تصحیح: میر هاشم محدث، تهران، رسا، چاپ اول.

راقم سمرقندی، میر سید شریف، (۱۳۸۰ش)، تاریخ راقم، تحقیق و تصحیح: منوچهر ستوده، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران.

راوندی، مرتضی، (۱۳۸۲ش)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم.

سبحانی، جعفر، (۱۴۱۸ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه امام صادق (ص).

شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۷۷ش)، مجالس المؤمنین، انتشارات اسلامیه، چاپ چهارم، تهران. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۸ش)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، چاپ هشتم.

صفوی، سام میرزا، (بی‌تا) تحفه سامی، بی‌جا.

طهرانی، شیخ آغا بزرگ (۱۳۹۰ق)، طبقات اعلام الشيعة نوايغ الرواة فی راوية الكتاب، تحقیق علی تقی فنروی، بیروت، دارالکتاب العربی.

عقیقی بخشایشی، (۱۳۷۴ش)، مفاخر آذربایجان، تبریز، نشر آذربایجان، چاپ اول.

عمید زنجانی، عباس علی، (۱۳۷۳ش)، فقه سیاسی، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم.

قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۷ش)، فوائد الرضویه فی احوال العلماء المذهب الجعفریه، تحقیق

- محمد باقر ناصری بید هندی، قم، دفتر تبلیغات، چاپ دوم.
- کاتب جلبی القسطنطینی، مصطفی بن عبد الله، معروف به حاجی خلیفه، (۱۹۴۱م)، کشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون، بغداد، مكتبة المثنی.
- کحاله، عمر رضا، (۱۳۷۶ق)، معجم المؤلفین، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- گلچین معانی، احمد، (۱۳۴۶ش)، فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، چاپخانه طوس، مشهد.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، (۱۳۶۵ش)، ریحانة الادب، تهران، کتابفروشی خیام.
- مرتضی راوندی، (۱۳۸۲ش)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، نگاه، چاپ دوم.
- معزی، مریم، (۱۳۸۵ش)، نوادگان سید اجل در ایران، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۵۲، زمستان.
- موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر، (۱۳۹۲ه.ق)، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود، (۱۳۸۰ش)، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- ناصری داوودی، عبدالمجید، (۱۳۷۸ش)، تشیع در خراسان عهد تیموریان، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- نصیبی، ابو القاسم محمد بن حوقل (۱۹۳۸ش)، صورة الارض، بیروت، دار صادر، افست لیدن، نوبت چاپ نا معلوم.
- نوائی، عبد الحسین (گردآورنده)، (۱۳۷۹ش)، رجال کتاب حبیب السیر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.
- واصفی، زین الدین محمود، (۱۳۴۹ش)، بدایع الوقایع، تحقیق و تصحیح: الکساندر بلدروف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- یان ریپکا، و همکاران، (۱۳۸۱ش) تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، ترجمه: عیسی شهابی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.